

اصالت با کدام است؟

دکتر عظیم محبی

است. لذا آموزش، اشاعه، نظارت، تجربه‌نگاری، روایت‌پژوهی و درس‌پژوهی در جهت نهادینه کردن این رویکرد، از وظایف مهم وزارت آموزش و

پرورش و دانشگاه‌هاست.

اصالت‌دادن به یادگیرنده و روش‌های یادگیری می‌تواند نشانگرهای زیر را در کلاس و مدرسه نهادینه کند:

- سبک‌های یادگیری (جنبشی، دیداری، شنیداری)؛
 - تفاوت‌های فردی (استعداد، نیازها، علاقه‌ها)؛
 - خودیادگیری و خودارزیابی؛
 - خودمدیریتی؛
 - کاوشگری و جستارورزی؛
 - انگیزه و شوق یادگیری؛
 - پژوهش و پروژه؛
 - کار و کارآفرینی؛
 - دست‌ورزی، تولید و ساخت؛
 - پرسشگری و سؤال‌محوری (نه صرفاً پاسخ‌محوری)؛
 - خلاقیت و نوآوری؛
 - تعامل هیجانی؛
 - تعامل فکری؛
 - یادگیری تیمی؛
 - الگوسازی و هدایت (به‌جای روش‌های تحمیلی)؛
 - اندیشه‌ورزی به جای کسب اطلاعات؛
 - سنجش فرایندی و عملکردی
- و ...

معلمی در ظاهر بسیار ساده به نظر می‌رسد. ادعا می‌شود هر کسی با مدرک دانشگاهی می‌تواند معلم خوبی باشد. اما واقعیت این است که

معلمی، علاوه بر تسلط بر رشته تخصصی، نیازمند شناخت یادگیرنده و روش‌های یادگیری است؛ نیازمند شناخت روش‌های برقراری ارتباط و تعامل است؛ نیازمند کسب منش معلمی و نقش‌الگویی است؛ نیازمند کسب اخلاق حرفه‌ای است؛ نیازمند شناخت خانواده و نحوه تعامل با آن‌هاست و ... در این میان، شناخت یادگیرنده و روش‌های یادگیری و تربیت از اصول کار معلمی است.

- توجه به یادگیرنده و روش‌های یادگیری ماحصل مطالعات نظریه‌های یادگیری شناختی، علوم شناختی (یافته‌های مبتنی بر مغز)، نظریه‌متربی عامل، و نظریه فطرت‌گرایی توحیدی است. تحولات برنامه‌دستی و روش‌های اکتشافی و فعال از سال‌های گذشته در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مورد عنایت بوده و در سال‌های اخیر نیز تلاش‌هایی در جهت کاربست نظریه‌های علوم شناختی و فطرت‌گرایی توحیدی آغاز شده است. این مطالعات نشان می‌دهند، اصالت باید به یادگیرنده و روش‌های یادگیری باشد و روش‌های تدریس و سنجش باید با نحوه یادگیری دانش‌آموزان هماهنگ باشند.

گذر از نگرش آموزش انتقالی به آموزش مبتنی بر نقش فعال یادگیرنده کار سختی است، چون فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی در مدرسه‌ها، خانواده‌ها و دانشگاه‌ها، همچنان فرهنگ انتقالی